

# تئاتر همه خونش تماشاگر است

گفت و گو با حسین مسافر آستانه،  
رئیس انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس

نوید دهقان

به نظر حسین مسافر آستانه دلیل وجودی تئاتری با عنوان تئاتری دفاع مقدس در چیست؟  
دفاع مقدس مثل هر پدیده دیگری در جامعه می تواند دستمایه بسیار خوبی برای تولید آثار نمایشی باشد. همان طور که در تمام جهان آثار سیاسی متأثر از پدیده های تاریخی، اجتماعی و هر پدیده هستند، در اینجا هم دفاع مقدس مثل دستمایه تئاتر قرار گیرد. جا دارد که به خاطر اهمیت موضوعی دفاع مقدس و نقش بسیار سازنده ای که در تاریخ معاصر بعد از انقلاب داشته است، به عنوان یک گونه مشخص در تئاتر به آن پرداخته شود. این دغدغه هنرمندان تئاتر بود که - چه در زمان جنگ تحمیلی و چه بعد از دوران دفاع مقدس - آن را به عنوان یک گونه تئاتری متولد کرد و توانست در گردونه تئاتر کشور برای خودش جایگاهی پیدا کند. البته باید این را هم در نظر داشت که سال های زیادی به آن ظلم شد.



متحمل شدن این ظلم را متوجه مسئولان می‌دانید یا هنرمندان این عرصه؟

این گونه تئاتر هستند پس این ظلم را به هنرمند تئاتر نگفته تو باید در باره جنگ، دفاع مقدس، رزمنده‌ها و... نمایشی را خلق کنی، این دغدغه فردی خود آن‌هاست و همچنین تأثیری که از این جریان در آن‌ها پدید آمده باعث تبدیل این پدیده به یک گونه نمایشی شده است. بنابراین تولد تئاتر دفاع مقدس توسط هنرمند تئاتر شکل گرفته است. اینکه می‌گویم ظلم شده است بدین معناست که سال‌های زیادی هیچ نگاه و ویژه‌ای با توجه به اهمیت و نقش مؤثر آن در تاریخ، به عنوان یک گونه

تئاتری نشده و برای آن برنامه‌ریزی مدون و خاصی صورت نگرفته است. این آن ظلمی است که نه به تئاتر دفاع مقدس، بلکه به انواع گونه‌های متأثر از دفاع مقدس وارد شده است، تا جایی که ما هنوز هم می‌شنویم که فرهنگ در مظلومیت واقع شده است. این پدیده دفاع مقدس بخشی از آن است - معنود به همان دوره هشت ساله می‌صحبت از آن است. ادامه دارد؟

دفاع مقدس در شکل تاریخی و ظاهری خودش اعتراف به دفاع همه جانبه ایران در مقابل جنگ تحمیلی که توسط رژیم‌های قدرت طلب دنیا و رژیم صهیونیستی بر ما تحمیل شد، تلقی می‌شود. اما در معنای گسترده‌تر خودش، امروز هم این قضیه در بسیاری از فعالیت‌ها و پدیده‌های اجتماعی قابل اطلاق و تعمیم است؛ یعنی هر جایی که دفاع مقدس از آن نام برده هم وجود داشته است. حال اگر از قبل از آن هم به این پدیده تگاهی بیاندازیم، از قبل از عاشورا تا عاشورا که در واقع یک نمونه، الگو و اسوه تمام عیار از نمونه‌های دفاع از ارزش‌ها تلقی می‌شود، شکل گرفته و در طول زمان‌های متعددی به اشکال مختلف وجود داشته است و این مقاومت برای حفظ ارزش‌های فرهنگی - اعتقادی در مقابل فشارهایی است که برای دفاع مقدس، نظامی، ادبی و... صورت گیرد. شامل حال شرایط فعلی فلسطین و عراق هم می‌شود؛ به عبارت دیگر آن‌ها را هم جزء دفاع مقدس باید به حساب آورد؟ تن در ندادن و مقابله کردن با این حجت بیگانه را دفاع مقدس می‌نامیم.

روبه‌رو هستیم. یکی تئاتر دفاع مقدس و دیگری تئاتر مقاومت که در واقع تئاتر مقاومت در حوزه گسترده‌تری متاثری با هم دارند؟ دلیل این سؤال اینک ما در مورد سطین واژه تئاتر مقاومت را به کار می‌بریم. چه تمایز بسیار مشخصی دارند که البته ختن به این امر و دستیابی به مفاهیم واقعی نام برده، نیاز به یک پژوهش همه‌جانبه ظهور از دفاع مقدس به معنای این نیست. دفاع‌ها مقدس نیستند. اما تعریفی که

این واژه بر آن صدق می‌کند این است که در جنگ ایران و عراق ما شاهد وقوع اتفاقی نادر بودیم که نمونه آن نه قبل از آن و نه بعد از آن - شاهد اگر بخواهیم نمونه‌ای برای آن ذکر کنیم منحصر به همان مقطع کربلای حسینی می‌شود - دیده نشده است. اتفاق نادری را که می‌گویم به این معنای کلی محدود نمی‌شود که است که البته این مسئله یعنی مقاومت در برابر بیگانه که تاریخ ما بسیار تکرار شده است و در آنچه هر ملتی وجود دارد. نام می‌بریم، ویژگی‌های خاص دفاع مقدس ما شکل گرفته است و آن این است که ما در آن دوران شاهد حضور فرهنگی جدید انسان انتظار می‌روند، در آن مقطع شکل گرفت و در کل آن روابط انسانی را که ما در معنای آدمیت سراغ آن را می‌گیریم و قابل اطلاق به هیچ جامعه‌ای نیست، منظورم روابطی که در آن زمان‌ها و آن از خود گذشتگی‌ها به بین یکدیگر، آن دوست داشتن‌ها و دوستی‌هایی فرمانده و سرریز ایجاد نمی‌کرده است، حاکم بوده است. همه این‌ها منحصر به فرد هستند. در واقع یک‌سری ویژگی‌هایی وجود داشت و یک عشق درونی همه این‌ها را همدل کرده بود، یک انگیزه باطنی و اعتقادی. یعنی دستور نظامی و فرماندهی صرف نبود که این افراد را در جنگ نگر می‌داشت بلکه یک میل باطنی و حضورشان می‌شد. به همین دلیل جنگی و بودن و به پژوهش‌های فراوانی دارد. این نشانه‌هایی را که ذکر کرده فقط شامل نشانه‌های ظاهری این فرهنگ می‌شود و این نشانه‌ها، معنای دفاع مقدس را با آن چیزی که ما از معنای مقاومت در میان سایر ملل و در برهه‌هایی در گذشته سراغ داریم، متناوب می‌سازد.

با این تفاسیر جریان دفاع مقدس تا کی ادامه پیدا می‌کند؟ آیا تاریخ مصرف دارد؟ و یا ممکن است در دوره‌ای دیگر با عنوانی متفاوت ظاهر شود؟

به نظر من این پدیده دارای تاریخ مصرف نیست چون مربوط به یک مقطع خاصی نیست. درست است که در مقطع خاصی شکل گرفته این دو رابطه انسانی را که پیش‌تر به آن اشاره کرده‌ام، درس بزرگی به بشریت داده است. این جریان دفاع مقدس نه به یک یک مقطع محدود می‌شود و نه در یک حصار جغرافیایی محصور می‌شود. به نظر من این جریان قابل اطلاق برای تمام ملت‌های دنیا و تمامی کره جغرافیایی است. اتفاقی که در آن دوران روی داد، مختص به یک مقطع خاص نمی‌شود و با توجه به تغییر شرایط، آن معنا و مفاهیمی که شکل گرفته است، تغییر نمی‌کند و نخواهد کرد چون آن معنا و مفاهیم

همین دلیل بر این عقیده‌ام که بحث فرهنگ دفاع مقدس هنوز شناخته نشده است که خواهیم بگوییم تاریخ مصرفش تمام شده و از بین رفته است. بعد از شناخته شدن فرهنگ دفاع مقدس، تاریخ مصرفش همانند فرهنگ عاشورا یک مقطع خاصی از تاریخ و در یک جایی اتفاق افتاده است و بعدش تمام بشود. عاشورا هنوز زنده است و چرا این تعبیر را داریم چون اعتقاد واقعی‌مان بر این است که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» به نظر من این به جز کربلا در مورد دفاع مقدس هم صدق می‌کند. این چیزی که در دوران دفاع مقدس تفهیم شده است و مفهومی که در آنجا شکل گرفته است، در هر جایی از زمین جواب می‌دهد چون انسان دارای یک سری خصالت‌های خارج از اعتقادات دینی، خارج از نوع جهان‌بینی‌ها و خصالت‌های ذاتی یکسانی را دارند. یک سری خصالت‌های ذاتی که از آغاز خلقت بشر تا اید با انسان همراه است. حال با هر دینی و گرایشی که داشته باشد. مثال یکی از این خصالت‌ها، خصلت خداجویی است که خصلت ذاتی بشر است و به عنوان سمبل و نمادی است تا انسان به دنبال آن برود. اجبار به خدانشناسی، خصلت ذاتی انسان است حتی اگر علم خدانشناسی نداشته باشد. از دیگر این مثال‌ها، عدالت‌خواهی و نوع دوستی است که در بشر از بین نمی‌رود و به شکل دیگری هم در در

صحت‌های خود گفتید که مفهوم دفاع مقدس شناخته نشده است. اگر شناخته نشده بود که این همه آدم سراغ آن نمی‌رفتند. و الان هم می‌بینیم که هنرمندان خوبی در این عرصه فعالیت می‌کنند. پس منظور شما این است که این افراد بدون شناخت مفهوم این‌ها همه تلاشی است در حد توان ما و در حد برداشت امروزی ما. پس این عدم شناخت از مفهوم دفاع مقدس از کجا ناشی می‌شود؟

ببینید اینکه کشف نشده یک مسئله است و اینکه بایم تاریخ مصرف بگذاریم مسئله‌ای دیگر. اگر مفاهیم به درستی کشف شوند، به عمق مطلب نزدیک‌تر می‌شویم. اینکه هنوز کشف نشده، به نظر من هنوز زمان زیادی از آن نگذشته است. این درست که سال‌های زیادی را از دفاع مقدس عبور کرده‌ایم، اما هر چه پیش‌تر

فاصله می‌گیریم در واقع ابعادی از فرهنگ دفاع مقدس آشکارتر می‌شود که تا زمانی که در آن قرار گرفته بودیم و فاصله کمی با آن داشتیم، بر ایمان روشن نمی‌شد. آنچه کمی با آن داشتیم، فرهنگ دفاع مقدس می‌نامیم، مجموعه آداب، رفتار، باورها و در واقع باورهای دینی و اجتماعی است که در آن دوره زاینده و شکل گرفته است. نوع روابطی که بین انسان‌ها شکل داشت، احساس مقابلی که در آن افراد وجود داشت، اجتناب از که افسردگی در آن دوران می‌کردند، انتخابی منحصر به فردی بود. انتخابی که از همه چیز خودشان گذرند به خاطر هدفی که در پیش داشتند. این اتفاق در واقع در آمل و آرزوهای یک ملت شکل می‌گیرد و هرگز به منصفه عمل در نمی‌آید اما باید توجه داشت که این اتفاق و ما شاهد اتفاق‌های غیر قابل پیش‌بینی در آن دوران بودیم که فقط محدود به جنگ با دشمن نمی‌شد. جنگ با دشمن یک بعد بسیار کوچک و بهانه‌ای برای شکل‌گیری قضیه‌های بزرگ‌تر بود که ما امروز تحت عنوان فرهنگ دفاع مقدس می‌گوییم تمامی ابعادش هنوز شناخته نشده است. این مسئله مطالعه، بررسی و پژوهش بیشتر در آن پیدا کنیم. تازه محل بهره‌برداری از آن اشراف با رزی که می‌توانم فرهنگی از آن جریان است و محلی هیچ نمونه دیگری را اشاره کنم، عاشورا است. مثال ماندگاری داشته باشد. چطور در عاشورا به این اعتقاد رسیدیم که عاشورا باعث نجات جوامع بشری است. عاشورا موضوع‌گیری انسان در مقابل چیزهایی که به خاطر آن می‌جنگد، است. ما نظرم دفاع مقدس نیز چنین چیزی است. ما امروز جانبازان شیمیایی را داریم که برایمان شناخته شده‌اند و از آن‌ها اسم می‌بریم. بسیاری از اتفاق‌ها هنوز برای ما ناشناخته باقی مانده است و ممکن است در آینده اتفاق بیافتد. گو بی‌خبر باشیم. اما همین عزیزان شیمیایی جنگ تحمیلی را که اشاره کردم، این افراد هنوز مانند دوران دفاع مقدس در حال ایثارگری هستند. هنوز بی‌هیچ توفعی بعد از یک عمر اذیت‌ها و آزارهای جسمی و روحی که می‌کنند، همچنان فرهنگ دفاع مقدس را حفظ می‌کنند. مثال

بر خواسته از خصلت‌های ذاتی بشر است؛ یعنی این گونه نبود که تحت شرایط خاصی به وجود آمده باشد و وقتی آن شرایط از بین برود، دیگر آن معنا از بین رفته باشد. ببینید در روابط سیاسی ما با ملت‌های دیگر در یک شرایط روبه‌ای را در پیش می‌گیریم و در شرایط دیگر روبه‌ای قضیه زاینده شرایط است. شرایط، روابط سیاسی را تغییر می‌دهد. اما این خصلت‌های ذاتی فرهنگی که بر خواسته از فطرت بشری بوده و در آن دوران شکل گرفته است و در همه زمان‌ها و مکان‌ها به عنوان یک الگو و اسوه می‌تواند برای بماند و می‌تواند یک اثر و سند قابل استناد باشد. به

هم همین طور است. مثلاً شما وقتی در مقابل تهاجمی اقتصادی قرار می‌گیرید که می‌خواهد دودمان یک ملت را به باد دهد، مقابله با این تهاجم با نهایت وجود و از خودگذشتگی برای آینده خانواده‌تان و... به خطر افتد، در جهت مقدس‌های همان دفاع مقدس است. پس ما دفاع عرصه‌های مختلف داریم و به نظرم بیشتر از هر دوره‌ای در عرصه فرهنگ این مبارزه را داریم و قابل حس است.

مقدس توصیه می‌کنید؟  
برنامه‌ریزی مجموعه‌ای از برنامه‌های مختلف به عنوان یک سری از پله‌هایی که ما را به مفهوم دفاع مقدس نزدیک کند. مهم‌ترین چیزی که به نظرم وجود دارد اینکه ما بیابیم چالش‌های مربوطه به این فرهنگ و شناخت آن را در دستور کارمان قرار دهیم و به شکل بسیار علمی پژوهش کنیم. تحقیق و پژوهش ما را به حقیقت آنچه که وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد. ما اگر به حقیقت آنچه که هست را آن موقع می‌توانیم، حقیقت آنچه که وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد. ما اگر برای این برنامه داشت، فکر می‌کنیم امروزه به زبان ساده‌تر در حوزه‌های تئاتر، سینما، هنرهای تجسمی و دیگر حوزه‌ها می‌توان سنگرهای فرهنگی خودمان را تعریف کنیم و آنچه که دنیا از تهاجم فرهنگی و شبیه‌خوان فرهنگی - به تعبیر مقام معظم رهبری - می‌خواهد، تا به آن دست‌رسی پیدا نکند. علت اینکه در این همه سال هم به‌رغم صدمات فرهنگی فراوانی که به ملت ما خورده و توفیق چندانی را برای دشمن به بار نیآورد، همین مقاومت‌ها و برنامه‌هایی بود که در حوزه‌های فرهنگی رخ داده بود. به هر حال عده‌ای با شناخت کافی در این حوزه‌ها قرار گرفتند، چه در حوزه تئاتر نیز این گونه است. دیروز در جنگ هر رزمنده‌ای با هزاران مشکل روبه‌رو بود اما چون فرهنگ و تفکر مقابله با دشمن را داشت، عقب‌نشینی نکرد و پیروز هم شد. ما نیز در سنگر تئاتر با کمترین امکانات و بیشترین مشکلات روبه‌رو هستیم و چون اعتقاد

جوامع بشری بوده است. دفاع مقدس هم این گونه است - درستی است که امروز جنگ همین سنگر فرهنگی که در آن امروز قرار گرفته‌ایم ناشی از تفکری دفاع مقدس می‌توانیم، امروز در سنگر مقدس را درک رزمنده‌های ما در سنگر نگاهی که دیروز بعثت قرار گرفته بودند، عمل کنیم و امروز در سنگر فرهنگ در مقابل ما جبهانی قرار می‌گیریم که می‌خواهد ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ما را نشانه بگیرد. ما امروز در این سنگر قرار گرفته‌ایم. مفهوم دفاع مقدس جاری است و همیشه جاری خواهد بود و این مختص به عرصه فرهنگی نیست بلکه در عرصه‌های دیگر

هم همین طور است. مثلاً شما وقتی در مقابل تهاجمی اقتصادی قرار می‌گیرید که می‌خواهد دودمان یک ملت را به باد دهد، مقابله با این تهاجم با نهایت وجود و از خودگذشتگی برای آینده خانواده‌تان و... به خطر افتد، در جهت مقدس‌های همان دفاع مقدس است. پس ما دفاع عرصه‌های مختلف داریم و به نظرم بیشتر از هر دوره‌ای در عرصه فرهنگ این مبارزه را داریم و قابل حس است.

مقدس توصیه می‌کنید؟  
برنامه‌ریزی مجموعه‌ای از برنامه‌های مختلف به عنوان یک سری از پله‌هایی که ما را به مفهوم دفاع مقدس نزدیک کند. مهم‌ترین چیزی که به نظرم وجود دارد اینکه ما بیابیم چالش‌های مربوطه به این فرهنگ و شناخت آن را در دستور کارمان قرار دهیم و به شکل بسیار علمی پژوهش کنیم. تحقیق و پژوهش ما را به حقیقت آنچه که وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد. ما اگر به حقیقت آنچه که هست را آن موقع می‌توانیم، حقیقت آنچه که وجود دارد، نزدیک‌تر خواهد کرد. ما اگر برای این برنامه داشت، فکر می‌کنیم امروزه به زبان ساده‌تر در حوزه‌های تئاتر، سینما، هنرهای تجسمی و دیگر حوزه‌ها می‌توان سنگرهای فرهنگی خودمان را تعریف کنیم و آنچه که دنیا از تهاجم فرهنگی و شبیه‌خوان فرهنگی - به تعبیر مقام معظم رهبری - می‌خواهد، تا به آن دست‌رسی پیدا نکند. علت اینکه در این همه سال هم به‌رغم صدمات فرهنگی فراوانی که به ملت ما خورده و توفیق چندانی را برای دشمن به بار نیآورد، همین مقاومت‌ها و برنامه‌هایی بود که در حوزه‌های فرهنگی رخ داده بود. به هر حال عده‌ای با شناخت کافی در این حوزه‌ها قرار گرفتند، چه در حوزه تئاتر نیز این گونه است. دیروز در جنگ هر رزمنده‌ای با هزاران مشکل روبه‌رو بود اما چون فرهنگ و تفکر مقابله با دشمن را داشت، عقب‌نشینی نکرد و پیروز هم شد. ما نیز در سنگر تئاتر با کمترین امکانات و بیشترین مشکلات روبه‌رو هستیم و چون اعتقاد

جامعه تئاتری ما و حداقل تئاتر دفاع مقدس ما می خواهد خودش را به آن دو بل مجبزه کند تا بتوان پرواز دفاع مقدس را شاهد باشد. بهتر است تخصصی تر به تئاتر دفاع مقدس نگاه بیاندازیم. از دید شما تئاتر دفاع مقدس تئاتر نمایشی است یا گونه‌ای از نمایش و یا اینکه اصلاً تئاتر هیچ جریان تئاتری در بدو حرکت خودش نمی تواند وارد این مباحث شود. شکل گیری یک جریان بر اساس نیاز، ذوق و سلیقه جامعه و نیز با توجه به تخصص هنرمندان و نیاز زیبایی شناسی زمانه خود است و این صرف نظر از مضمون و محتوای خودش به جریان تبدیل می شود و سپس می آید در مورد آن جریان و به ژانر مورد نظر نزدیک می شود و و یا در باره ژانرش می شویم تصمیم گیری کنیم. هنر در بدو تولید به یک ژانر نمی تواند فکر کند.

قطعاً به ژانری از ژانرهای موجود یا به ژانری بدیع دست پیدا خواهد کرد. با توجه به صحبت شما این سؤال پیش می آید که تئاتر دفاع مقدس چه خصوصاتی باید کسب کند تا تبدیل به ژانر شود؟ ببینید زمینه اینها بسیار مهم است. اگر این جریان، جریان مستمری بود تاکنون به این امر دست پیدا می کند. چون تاکنون به سازماندهی شده نیست و به شکل پراکنده جریانی و بیشتر ارق خود هنرمندان است که تئاتر دفاع مقدس تا حالا توانسته به حیات خود ادامه دهد. صرف نظر از حمایت‌هایی که هزار گاهی از این جریان به عمل آمده است، نمی توان تاریخ تعیین کرد و گفت چند سال دیگر باید منتظر میزان برنامه ریزی و آن استراتژی دارد که برای این جریان تعریف می شود. اگر ما آن را داشته باشیم قطعاً می توانیم بگوییم طی یک برنامه چند ساله همانند سایر فعالیت‌های اجتماعی که در کشور مطرح است و در همه دنیا مطرح است و می گویند که طی یک برنامه چهار ساله از A حرکت می کنیم و به B می رسیم - به آن دست خواهیم یافت. اما چون این برنامه چند ساله در مورد تئاتر تبیین نشده است، استراتژی در مورد تئاتر نوشته نشده است؛ بنابراین با تغییر دکترین لازم می توانیم به طی دو دوره فرهنگ دفاع مقدس دست یابیم. این جریان از آغاز خودجوش بوده و خودجوش هم ادامه پیدا کرده است. طرح و برنامه ما هنوز در حد طرح و برنامه یک ساله است که گاهی در طول یکسال ممکن است تغییر نکند. بنابراین تا چشم انداز لازم را تعریف نکرده باشیم نمی توانیم بگوییم کی به آن قله دست پیدا خواهیم کرد. تئاتر مذهبی شما می توان تئاتر دفاع مقدس را شاخه‌ای از تقسیمات دانست یا که این گونه نبوده و این دو جدا موضوع مورد نظر است. فقط به خاطر تأکید روی شاخه دیگری دانست چون که در تئاتر مذهبی هم ممکن است شما مفاهیم دفاع مقدس را

شاهد باشید و نیز مفاهیم سیاسی را شاهد باشید. در تئاتر دفاع مقدس هم می توان بسیاری از این مفاهیم را در کنار یکدیگر و دوشادوش هم پیش ببریم. بنابراین این گونه دسته بندی‌هایی را که امروزه برای انواع تئاتر قائل هستیم، به نظرم دسته بندی‌هایی نیست که یکی را از دیگری مجزا کند. این دسته بندی‌ها فقط به خاطر تأکیدی است که در یک جریان خاص نیست که در تئاتر رضوی، مثلاً ما تئاتر رضوی داریم و همچنین مسائل اجتماعی در آن دیده می شود و حتی موضوعات دفاعی در آن شامل می شود و این بدین معنا نیست که وقتی می گوییم تئاتر رضوی یعنی دیگر شامل مسائل اجتماعی، سیاسی، دفاعی و... نمی شود. این موضوعات در دل مقدس را هم شامل می شود و این بدین معنا نیست که وقتی می گوییم تئاتر رضوی یعنی هم تنیده هستند تا یک درام را شکل دهند و این نام گذاری باعث جداسازی آن‌ها از هم نمی شود. به همین دلیل است که شاهد هستیم بعضی‌ها انتقادی می کنند نمایشی که در جشنواره و اجرای رضوی بوده، در جشنواره بسیج هم بوده و اجرای رضوی در تئاتر حرفه‌ای کشور هم داشته است. این به نظر من ایراد نیست بلکه به موضوعی خاص، از سایر موضوعات دیگر که کاملاً به قضیه دفاع رضوی نمایشنامه‌ای توانست در جشنواره تئاتر فجر نوشته شده بود متن را از آن خود کند، منظورم نمایشنامه «خیال روی خطوط موازی» نوشته حیدررضا آذرنگ است. پس این تقسیم بندی موضوعی این گونه نیست که این‌ها را از دسته‌های دیگر جدا کند بلکه فقط به خاطر تأکید خاصی است که دست‌اندر کاران یک جریان تئاتری مثل رضوی، دفاع مقدس، عاشورایی و... بر روی محور موضوعات می گذارند. و همین تقدر می تواند کمک کننده باشد؟ همه تئاترهای می توانند کمک کننده باشند؛



باشد، نقد نسبت به آن تهدید در تئاتر آن نمود پیدا می‌کند. بنابراین تئاتر همه این مسائل را شامل می‌شود. وقتی می‌گوییم تئاتر ملی، همه گونه‌های تئاتری می‌توانند در دو جهت مفاهیم مورد نظر و دو، بهره‌وری از تخصص‌های هر چه بیشتر تئاتر و به روز شدن آن. در واقع یک تعریف و تعبیری وجود دارد که هر جامعه تئاتری مخصوص به خودش را دارد. اگر ما به این تعریف برسیم که تئاتر خاص ما چیست، به چه می‌خواهد باشد. در واقع موضوعش هر می‌دهیم، نشانه‌های فرهنگی و باورهای فرهنگی که ریشه در فرهنگی ملی را داشته باشد که به آن نزدیک شویم. مانند هندوستان و چین که تئاتر ملی نزدیک خود را دارند. مشکلی که ما داریم این است که تئاتر ایرانی در طول سال‌های گذشته تاکنون تعریفش را از دست داده و تلاش هم نمی‌کنیم برای اینکه بخواهیم به یک تعریف برسیم، نمی‌گوییم به صد سال پیش برگردیم و ببینیم که تئاتر ما چه بوده است، اما باید نشانه‌هایی از آن را بشناسیم و نیز نیاز فرهنگی - اجتماعی امروز را بشناسیم. این مطالعه جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی اجتماعی و یا پژوهشی بر روی فرهنگ عامه، خیلی به ما کمک می‌کند که دانسته فرهنگی جامعه را بشناسیم و با باید این دانسته را بشناسیم. بنابراین می‌بینیم که بعضاً بهترین تئاترها با اجرای بسیار خوب به روی صحنه می‌آیند اما تماشاگر با آن ارتباط برقرار نمی‌کند و این یک سؤال بزرگ را پیش می‌آورد. همین تئاتر با اجرائی ضعیف‌تر در جامعه‌های دیگر بسیار با مردم جامعه خودش ارتباط برقرار کرده اما با اجرائی بهتر در اینجا روی صحنه رفته و ارتباط با تماشاگر برقرار نکرده چون این تئاتر از آن ما نیست و مسئله جامعه ما نیست. ممکن است به لحاظ تخصصی ما نمایشی را و بگویند چقدر خوب اجرا شد و نقدهای

بسیاری خوبی هم برایش نوشته شد. اما اجرای این تئاتر چه نقش تعیین کننده‌ای در جامعه فرهنگی ما می‌تواند بگذارد؟ مسلماً هیچ. یعنی ما باید این مطالعه را به عنوان پژوهش سرلوحه کارمان قرار دهیم که ببینیم چرا بعضی از کارها به رغم ضعف‌های تکنیکی، می‌توانند از اقبال خوبی برخوردار شوند. و این شعار که تئاتر مال یک قشر خاص است، تئاتر فقط مربوط به فرهیختگان است و تئاتر را همه عوام می‌توانند بفهمند را نیز کنار بگذاریم چرا که این شعار روشن‌فکرانه از سالیان گذشته تاکنون همیشه مانع در شناخت حقیقت بوده است. این شعارها یک کلاه بزرگ است که خودمان بر سر خودمان می‌گذاریم. ممکن است که بخش کوچکی از تئاتر این گونه باشد ولی ۹۸ درصد دیگر تئاتر باید رابطه خودش را با جامعه برقرار کند. چرا همه تئاتر در همان ۲ درصد دیگر تئاتر نیاز دارم تا آنکه هنری، فرهنگ و زیبایی‌شناسی مردم جامعه را بشناسیم. به خاطر همین عدم شناخت است که تولیداتمان با خواسته‌های مردم مطابقت نمی‌کند. پس این نکته اینجا پیش می‌آید که با توجه به صحبت‌های شما ما هنوز نتوانسته‌ایم به تعریف درستی از تئاتر برسیم. پس اساتید ما به خطا می‌روند چون سسمنیارهای مختلفی در مورد تئاتر و مخاطب، نمایش و دیس و ... می‌گذارند اما هیچ‌وقت نمی‌گویند تئاتر چیست موافقید که اساتید ما به خطا می‌روند؟ از این مجموعه می‌پردازند و کلیه مجموعه را کامل نگاه نمی‌کنند. به نظر این نوع فعالیت‌ها لازم است. حتی وقتی هنوز واژه تئاتر شناخته نشده است؟ امروز در این زمینه پژوهش می‌شود. من می‌گویم آنچه که به عنوان تئاتر تولید می‌شود برای قشر خاصی است و آنچه که برای قشر بزرگ‌ترش تولید می‌شود، قطعاً نگاه سخیفی به آن می‌شود و نگاه جدی به آن نمی‌شود و جالب است. همه ما را به قولی شعاع زیادی آن را نمی‌فهمند. تماشاگرش را انتخاب می‌کنیم از اینکه می‌خواهیم تئاتری که باید گروتفسکی شویم. باید توجه کنیم که نه شرایط گروتفسکی را داریم و نه هدف و جامعه‌ای را که گروتفسکی در آن زندگی می‌کند. بنابراین برای تماشاگر کم می‌سازیم که این خود فریب است. ما داریم با دستان خود، خودمان را فریب می‌دهیم. اساساً خود



گروتفسکی در همان جامعه‌ای که شرایطش را داشت برای او این اتفاق افتاد و بعد از او دیگر این گونه نمی‌توانست ادامه پیدا کند. اصولاً تئاتر خون در آن جریان نداشته باشد؛ یعنی اگر این هر قدر که برایش سمیوار بگذاریم، هر قدر حال بایش سخنرانی کنیم. من می‌گویم به درصد اندکی از فعالیت‌های تخصصی تئاتر پرداخته و بقیه را کنار گذاشته‌ایم و همه فعالیت‌های متتمرکز کرده‌ایم و این اشتباه بزرگی است که وارد این بحث شویم که چرا در مورد تئاتر دفاع مقدس پژوهش خیلی کم صورت می‌گیرد؟

دیگر را سایر علوم مورد نیاز تئاتر تشکیل می‌دهند و بخش سایر علوم چون نقش بسیار مهمی و مؤثری در تئاتر دارند. همین بحث‌های جامعه‌شناختی، فلسفی، روان‌شناسی و بسیاری از شاخه‌های علوم انسانی رابطه‌ای تنگاتنگ با تئاتر داشته و مورد نیاز آن است. اما در حال حاضر تئاتر به دور از همه این‌هاست. هیچ فیلسوفی با تئاتری رابطه خاصی ندارد که بخواهد اندیشه فلسفی خاصی را با هم‌کاری هم به اجرا دریاورد. ما جامعه‌شناختی نیز بیگانه‌ایم. حتی با بحث بسیاری از اتفاقاتی که در جامعه ما می‌افتد، نسبت به آن بیگانه هستیم. و چون بیگانه آن توسط نویسندگانی نوشته شده که نمی‌دانیم چقدر با این علوم ارتباطی دارد و بدون توجه به همان اندازه ارتباطی که نویسندگانش داشته، شروع به ساخت و پرداخت ساختمان هنری اثر می‌کنیم و آن را به روی صحنه می‌بریم. من این امور غافلند. اما جریان‌های عمومی حاکم بر تئاتر ما این نوع جریان‌هاست.

این نکته که هر اندیشه‌ای، فلسفه‌ای به دنبال خود دارد. شما که یکی از مسئولان تئاتر دفاع مقدس را در چه هستید اندیشه و فلسفه تئاتر دفاع مقدس را در چه می‌بینید؟ این را نمی‌توان در یک کلمه گفت و نیاز به بررسی کامل دارد. من بنا به سلیقه خودم شاید بتوانم بگویم اما سلیقه من همه نیاز تئاتر دفاع مقدس نیست. این اندیشه هنوز تبیین نشده است. ما باید از جریان‌های دیگری که تبیین

این فلسفه را عهده دارند، بگیریم و در تئاتر از آن بهره‌مند شویم. وقتی می‌گویم ما، منظورم نمایش‌نامه‌نویسان و محققان ما هستند. این الفت و آشنایی با علوم موجب ارتقای تئاتر و به طور خاص تئاتر دفاع مقدس می‌شود. این همه تشکیلات وجود دارد که در زمینه تئاتر دفاع مقدس به طور موازی عمل می‌کنند منظورم روایت فتح، بنیاد حفظ آثار، جشنواره میثاق و... است. دلیل اینکه در چه می‌بینید؟

اینکه می‌گویم متأسفانه هیچ هماهنگی بین این‌ها نیست. می‌توانست به تقویت این جریان کمک کند. مثال می‌زنم. مثلاً جشنواره تئاتر میثاق جدا کار می‌کند و جشنواره تئاتر دفاع مقدس هم جداگانه راه خودش را می‌رود.

یک مخالف وجود جریان‌های متعدد حول می‌دانم. این را مدت‌نظر داشته باشید که تئاتر یک موضوع نیست. هر موضوعی می‌تواند برای خودش یک متولی داشته باشد. اما این جریان‌های متعدد حول یک موضوع می‌تواند باید با هم در ارتباط باشند و به همدیگر کمک کنند. نه اینکه همدیگر را خنثی کنند. این هماهنگی متأسفانه الان وجود ندارد. ارتباطات، ارتباطات درستی نیست. هم‌فکری‌های لازم به

عمل نمی آید. سلیق شخصی بر گزار کنندگان هر یک از جریان ها گاه با هم بسیار متفاوت است. و همه این ها باعث می شود که به این جریان لطمه وارد شود. چرا نمی خواهند با هم کار کنند؟ برای اینکه به شرایط آن نرسیده اند و با هم نکرده اند. شاید دغدغه هایشان را یکی می داند و فکر می کند اول تا آخر یک جریان خودش است. در حالی که این ها موارد نسبی می شوم، اگر من مسئول بخشی در حوزه تئاتر نیستم که از اول تا آخر این مسئولیت است. این باشد. این مسئولیت من نسبی است. این بتواند یکی از مسئولیت های من این است که تبادل تجربه داشته باشم، از تباط بر فرار کنم و با آن ها خودم را عرضه کنم. این اتفاق است که متأسفانه در جریانات متعدد تئاتر کشورمان نمی افتد. هر کس ساز خودش را می زند در حالی که بعضی ها این را بهانه می کنند که بگویند چرا این قدر جریان موازی وجود دارد. باید حواسمان باشد که ما به تعداد جریان نباید اعتراض داشته باشیم چرا که این حسن است و باید تعدد جریان وجود داشته باشد. و نباید در یک خط هماهنگ شوند؟ فقط باید هماهنگی این جریان ها باشد. یکدیگر به وجود آید. به نظرم یک شورای سیاست گذاری مشکل از متخصصان تئاتر باید

تشکیل شود تا در همه این جریان ها بتواند نظرات خودشان را در اختیار مدیران اجرایی قرار دهند. این همدلی، همیاری و همکاری باید بین جریان های متعدد وجود داشته باشد. باز قدر که تعدادشان بیشتر شود، باز کم است؛ به شرط آنکه حلقه اتصال این جریانات به هم را بتوانیم، شکل دهیم. مشکلاتی که امروز گریبانگیر تئاتر دفاع مقدس است، بیشترین ضربه اش را به کدام بخش از این پیکره وارد می سازد؟

وارد می کند. به هیچ شخص، نهاد و ارگان لطمه وارد نمی کند. ولی وقتی به خود جریان تئاتر دفاع مقدس لطمه وارد می شود یعنی به فرهنگ دفاع مقدس و به همه نهادها و ارگان ها و این صدمه از کجاش می شود؟

استراتژی تئاتر دفاع مقدس را تعیین نکرده ایم و به نظرم نیاز مبرم و اساسی در این زمینه احساس می شود. کسانی که این کار را کردند، بنشینیم و نهایتاً یک ماه استراتژی را تعیین کنیم. بیاییم و بنویسیم این گروه دیگر دو نفر آدم را و این قضیه نیاز به مطالعه ای جامعه شناسی دارد. توسط چندین گروه پژوهشی انجام شود و نتایج این گروه های پژوهشی باعث تعیین این استراتژی شود و این کار آسانی نیست و قانم به فرد نیست بلکه یک جریان عمومی است که باید با روش علمی مشخصی پیش رود تا به نتیجه برسد. البته ما در انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس مدتی است ریزنی هایی را برای تحقق این امر شروع کردیم. یعنی در واقع تحقق کلی ماسست تا بتوانیم این جریان را دامن بزنیم و به این نکته برسیم که با یک روش علمی، یک استراتژی را تعیین کنیم تا بتوان بر اساس آن رسیدن به هدف کرد و به طرح برنامه هایی برای اگر روزی برسد که بگویند حسین مسافر آستانه دیگر نمی تواند تئاتر با مضمون دفاع مقدس کار کند چه می کنید؟ فکر کنم آن روز بیشتر تحریک شوم که این

کار را بکنم. زبان تئاتر، زبانی است که می تواند مسئله ای را داشته باشد، نمی توانستند از آن حال حرف خودش را خواهد زد. دغدغه تئاتر و همچنین در من از زمان جنگ شروع شد و همچنین متولد شد. در واقع تئاتر دفاع مقدس در من از زمان جنگ شروع شد و همراه با جنگ متولد شد و قانم به فرد راه رفت. بنابراین کسی نمی تواند این عمری را که با آن سر کرده ام را از من بگیرد. این کار نشدنی است. چون من اگر تئاتر تاریخی هم کار کنم، مفهوم دفاع مقدس در آن محدود کرد و است. بنابراین نمی توان تئاتر را محدود کرد. کشورهایی که از قرون وسطی به بعد هر چیز را که خواستند محدود کنند، نتوانستند. همان طور که به انسان نمی توان گفت که تو فکر نکن و به چیزی که من می گویم فکر کن، به همان اندازه تئاتر با مضمون دفاع مقدس هم کار نکردن، نشدنی است.